

دو فصلنامه عقل و دین، مؤسسه دین پژوهی علوی،
سال سیزدهم، شماره بیست و پنجم (پائیز و زمستان ۱۴۰۰)

Civic Education and its Intellectual Foundations in Farabi's Thought

Atiyeh Sadat Alavi¹ \ Saeed Beheshti² \ Shirin Rashidi³

Abstract

The purpose of the current research is to explain the peculiarities and dimensions of civic education and its intellectual foundations in Farabi's thought. In this article, qualitative content analysis method is utilized based on the library document study. Based on this, the intellectual principles of Farabi's civic education were presented in two categories: general principles and specialized ones. General principles include anthropological principles as well as those related to values; and specialized principles include sociological principles. Based on this, the goals of civic education from Farabi's point of view are to create and expand the correct attitude towards bliss (Sa'adat) and how to strengthen the belief in it among the people of "Medina(the city)", to encourage people to act in accordance with correct beliefs and to teach the skills needed in Medina and the way of the correct cooperation of members with each other. Based on the remaining works of Farabi, methods such as argument, persuasion, farseeing, model, artistic, and repetition-and-practice methods can be inferred to achieve these goals.

Keywords: Farabi, intellectual foundations, civic education.

-
- 1 - Master's Graduate, Department of History and Philosophy of Education, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. A_alavi97@atu.ac.ir
 - 2 - Full Professor, Department of Philosophy of Islamic Education, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran, beheshti@atu.ac.ir
 - 3 - Assistant Professor, Department of Philosophy of Islamic Education, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran, (corresponding author) rashidi66@atu.ac.ir

تربیت مدنی و مبانی عقلی آن در اندیشه فارابی

عطیه سادات علوی^۱ / سعید بهشتی^۲ شیرین رشیدی^۳

چکیده

هدف پژوهش حاضر تبیین مختصات و ابعاد تربیت مدنی و مبانی عقلی آن در اندیشه فارابی است. این مقاله با روش تحلیل محتوای کیفی از نوع قیاسی، مبتنی بر مطالعه اسنادی (کتابخانه‌ای) انجام شده است. بر این اساس مبانی عقلی تربیت مدنی فارابی در قالب دو بخش مبانی عام و مبانی تخصصی ارائه شد. مبانی عام عبارتند از مبانی انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی و مبانی تخصصی شامل مبانی جامعه‌شناختی است. بر این مبنا اهداف تربیت مدنی از دیدگاه فارابی عبارتند از ایجاد و گسترش نگرش صحیح نسبت به سعادت و چگونگی تقویت اعتقاد به آن در میان افراد مدینه، ترغیب و تشویق افراد برای عمل بر طبق عقاید صحیح، آموزش مهارت‌های مورد نیاز مدینه و شیوه صحیح تعاون اعضاء با یکدیگر. بر اساس آثار به‌جامانده از فارابی برای تحقق این اهداف روش‌هایی مانند روش برهانی، روش اقلایی، روش ترویجی، روش الگویی، روش هنرمآبانه، روش تکرار و تمرین را می‌توان استنباط کرد.

کلیدواژه‌ها: فارابی، مبانی عقلی، تربیت مدنی.

۱ - دانش آموخته کارشناس ارشد، رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، A_alavi97@atu.ac.ir

۲ - استاد تمام، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، beheshti@atu.ac.ir

۳ - استادیار، رشته فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، (نویسنده مسئول) rashidi66@atu.ac.ir

۱- مقدمه

آفرینش انسان به گونه‌ای است که برای دستیابی به کمالات وجودی، نیازمند مقدماتی است. برای برآوردن این نیاز، اجتماعات انسانی تشکیل می‌شود. فرد در تعامل با جامعه رشد می‌کند و هویت اجتماعی خویش را پدید می‌آورد. سخن اسلام در باب مسائل انسانی، در ابعاد فردی او خلاصه نمی‌شود و بُعد اجتماعی زندگی انسان نیز مورد توجه قرار گرفته است. آدمی به این دلیل که در جامعه زندگی می‌کند، ملزم به آموزش راه و رسم زندگی اجتماعی است. آموزش و پرورش، وسیله سازماندهی خود فردی و خود اجتماعی به صورت یک موجود با انضباط است (علاقه بند، ۱۳۹۱: ۱۵۵). منشأ و ماهیت زندگی اجتماعی از دیدگاه معلم ثانی روی سه عنصر «فطرت کمال طلبی»، «فطرت طبیعی» و «غریزه مادی» تکیه دارد (فارابی، ۱۳۸۴: ۲۸). با آگاهی از عناصر اثرگذار بر زندگی مدنی انسان، تدابیر تربیتی به مقتضای آن‌ها به نحو بهتری اتخاذ می‌گردد.

فارابی معتقد است تلاش انسان برای رسیدن به سعادت، هم در طبیعت آدمی ریشه دارد و هم مبنایی عقلانی دارد که بدون حیات اجتماعی میسر نیست. با عنایت به نگرش چند بعدی و چند عاملی به اجتماع و تأکید به کمال غایی، معلم ثانی به جامعه نگرشی ابزاری دارد؛ یعنی آن را وسیله‌ای برای رسیدن به سعادت می‌داند (مهاجرنیا، ۱۳۸۰: ۱۹۹)؛ بنابراین دانستن و بکار بستن مبنای عقلی فارابی در ترسیم ابعاد مختلف تربیت مدنی وی ضروری است، زیرا مبنای عقلی هر اندیشمندی جهت‌دهنده نظرات تربیتی وی می‌باشند. غایت تربیت آن است که انسان را از نقطه موجود به نقطه مطلوب برساند و استعدادها را بالقوه وی را شکوفا سازد. یکی از ساحت‌های مهم تربیت، ساحت تربیت مدنی است که نقش بسزایی در تعالی فرد و جامعه دارد. بنابراین چگونگی استعدادیابی در این زمینه بسیار حائز اهمیت است. تربیت جریان منظم و مستمری است که هدف آن رشد همه جانبه شخصیت پرورش‌یابندگان در جهت کسب و درک معارف بشری و هنجارهای مورد پذیرش جامعه و نیز کمک به شکوفا شدن استعدادها و آنان است (سیف، ۱۳۸۶: ۲۸). تربیت اجتماعی در جایی تصور می‌شود که برای انسان‌های دیگر در اجتماع، حقوق و تکالیفی در نظر گرفته شود و بتوان متریبان را به حقوق اجتماعی نسبت به یکدیگر آشنا ساخته و رفتار مطابق با آن را از ایشان درخواست کرد (ضمیری، ۱۳۸۳: ۵۲). به همین سبب با شناخت ساحت‌های وجودی آدمی و نیازسنجی هرچه بهتر می‌توان برای تربیت فرد، توسعه و تعالی وجودی وی برنامه‌ریزی نمود.

قرآن کریم تهذیب و تربیت نفوس را در آن بسیار مهم می‌شمرد و نخست به تربیت فرد، سپس نزدیکان و خویشان و آن‌گاه جامعه توجه نموده است. در آیه ۶ سوره تحریم می‌فرماید: «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا»؛ یعنی ابتدا از خودتان محافظت کنید تا به تباهی‌آلوده نشوید؛ سپس اهل خود را از افتادن در آتش جهنم بر اثر ابتلای به گناهان حفظ کنید (جوادی آملی، ۱۳۹۸: ۷۳).

از دیدگاه فارابی، مدینه (جامعه) از سه جزء اساسی تشکیل می‌شود. اولین جزء هدف است. یکی دیگر

از اجزا و عناصر مهم جامعه انسانی‌هایی هستند که برای رسیدن به هدف جامعه تلاش می‌کنند. هر یک از این افراد عهده‌دار وظیفه‌ای خاص هستند. اعضای یک مدینه دارای سلسله مراتب هستند. فارابی ملاک رتبه‌بندی اعضای جامعه را نوع فعالیت افراد می‌داند. سومین جزء از اجزای جامعه قواعدی است که رابطه میان افراد را تنظیم می‌کند. قواعد همان قانون‌های اجتماعی است (داودی، ۱۳۹۳: ج ۱، ۱۹۸-۱۹۶). یکی از محاسن نگاه سیستمی به اجتماع این است که افراد خود را در ارتباطات مختلف مسئول می‌دانند؛ زیرا باور دارند که نحوه کنش و واکنش اجزاء سیستم در راستای یک هدف مشخص، موفقیت کل مجموعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در جامعه اسلامی که مظهر تحقق بُعد اجتماعی «حیات طیبه» به شمار می‌آید، ارتباط میان اعضای جامعه به ارزش‌های انسانی و اخلاقی، معرفت، محبت و اطاعت از خدا، پیروی آگاهانه و اختیاری از نظام معیار دینی معطوف است. در چنین بر توحید به عنوان اساس تکوین و گسترش روابط اجتماعی تأکید می‌گردد (دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۰: ۱۳-۱۲). بررسی و علل‌یابی معضلات اجتماعی ما را متوجه امر خطیر تربیت در بُعد مدنی آن می‌کند، زیرا از جمله کارکردهای مهم تربیت مدنی، جهت‌دهی مطلوب رفتار افراد در جامعه است. شاید یکی از دلایل فقدان تربیت مدنی صحیح در جامعه کنونی ما، ضعف در پژوهش در این زمینه و عدم کفایت در بررسی نظریات تربیت مدنی اندیشمندان بزرگ و عدم بهره‌گیری از الگوهای ارائه شده جامعه مطلوب توسط ایشان و کاربست آن در جامعه است. در میان آراء اندیشمندان بزرگ استفاده از نظریات فلاسفه اسلامی از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ چرا که متفکران مسلمان، با بهره‌گیری از منبع وحی و تعالیم اسلام در مورد جامعه و تربیت در آن، سخن به میان آورده‌اند و نظریات ایشان متناسب با فرهنگ و ارزش‌های دینی ماست و به‌کارگیری آن در جامعه اسلامی راهگشا خواهد بود. در این میان فارابی اولین فیلسوف مسلمان است که به طرح مسائل اجتماعی در فلسفه خویش پرداخته است.

طبق آموزه‌های دین اسلام اصولاً مدنی بودن و ایجاد روابط اجتماعی انسان با هم‌نوع در متن آفرینش او پی‌ریزی شده است. برای نمونه خداوند در آیه ۱۳ سوره حجرات این موضوع را این چنین مورد تأکید قرار می‌دهد: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ». اگر این تفاوت‌ها نبود، شاید هیچ‌کس برای رفع کمبودهای خود به دیگران رجوع نمی‌کرد و روابط اجتماعی شکل نمی‌گرفت. امام صادق (ع) می‌فرماید: واقعاً برای شما چاره‌ای جز (زندگی با) مردم نیست؛ زیرا هیچ‌کس در دوران زندگی خویش از دیگران بی‌نیاز نیست و مردم نیز (از نظر برقراری روابط) بعضی از آنان ناگزیر (از ارتباط) با برخی دیگر هستند (کلینی، ۱۳۶۹: ج ۲، ۶۳۵). همه‌جا اسلام طرفدار اجتماع و جماعت است و حتی عبادات اسلامی که رابطه میان خلق و خالق است، به صورت دسته‌جمعی انجام می‌شود. کسب آگاهی دقیق و بکار بستن روش‌های تربیت مدنی مبتنی بر مبانی عقلی اندیشمندان مسلمان می‌تواند در زمینه شکل‌گیری صحیح روابط، تحکیم آنها و کاهش آسیب‌های

اجتماعی مؤثر واقع شود. با توجه به تأثیرات شبکه‌های اجتماعی بر سبک زندگی افراد می‌بایست تدابیری اتخاذ گردد که متناسب با رشد سریع اطلاعات و ارتباطات، روش‌های صحیح تربیت مدنی نیز برای زندگی در جامعه کنونی بکار بسته شود.

با توجه به مدنی بودن فطرت انسان بر اساس آیات و روایات، ضرورت انجام این تحقیق آشکار می‌گردد. نکته دیگری که ضرورت پژوهش پیرامون نظریات تربیت اجتماعی فیلسوفان اسلامی را یادآوری می‌کند، تأکیدات مقام معظم رهبری مبنی بر امتداد سیاسی و اجتماعی فلسفه اسلامی است: "نقص فلسفه ما این نیست که ذهنی است - فلسفه طبعاً با ذهن و عقل سر و کار دارد - نقص فلسفه ما این است که این ذهنیت امتداد سیاسی و اجتماعی ندارد. فلسفه‌های غربی برای همه مسائل زندگی مردم، کم و بیش تکلیفی معین می‌کند: سیستم اجتماعی را معین می‌کند؛ سیستم سیاسی را معین می‌کند؛ وضع حکومت را معین می‌کند؛ کیفیت تعامل مردم با همدیگر را معین می‌کند؛ اما فلسفه ما به طور کلی در زمینه ذهنیات مجرد باقی می‌ماند و امتداد پیدا نمی‌کند. شما ببینید این امتداد را تأمین کنید و این ممکن است (خامنهای، بیانات، ۱۳۸۲). تحقیق حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که تربیت مدنی و مبانی عقلی آن در اندیشه فارابی چیست؟ برای پاسخ‌گویی به این سؤال، به سوال‌های زیر پاسخ داده می‌شود: (۱) مبانی عقلی انسان‌شناسی تربیت مدنی در اندیشه فارابی کدامند؟ (۲) مبانی عقلی ارزش‌شناسی تربیت مدنی در اندیشه فارابی کدامند؟ (۳) مبانی عقلی جامعه‌شناسی تربیت مدنی در اندیشه فارابی کدامند؟ (۴) اهداف تربیت مدنی در اندیشه فارابی کدامند؟ (۵) روش‌های تربیت مدنی در اندیشه فارابی کدامند؟

پژوهش‌هایی که تاکنون انجام شده عمدتاً به صورت جداگانه با تمرکز بر تربیت اجتماعی (احمدی، ۱۳۸۷؛ حسینی، ۱۳۹۷؛ افشاری، ۱۳۹۸؛ خجسته گلزار، ۱۳۹۸؛ هوشمند، ۱۳۹۷؛ ضمیری، ۱۳۸۳؛ مرزوقی و اناری‌نژاد، ۱۳۸۶)، تربیت اجتماعی از دیدگاه فارابی (نوبخت، ۱۳۸۷؛ شفیق زاده، ۱۳۸۸؛ محمدیان، ۱۳۸۹؛ غزنوی، ۱۳۹۱؛ خداوردی، ۱۳۹۰؛ محمودی، ۱۳۹۱)، بررسی تطبیقی فلسفه تربیت اجتماعی فارابی و یا روش‌شناسی فلسفی فارابی با سایر اندیشمندان (دین محمدی، ۱۳۹۱؛ مختاری، ۱۳۹۴؛ اسداللهی، ۱۳۹۴؛ ساسانی، ۱۳۹۵؛ یوسفی، ۱۳۷۶؛ هدایتی شهیدانی، ۱۳۹۸؛ قادری و غریبی، ۱۳۸۷؛ اسلامیان و کشتی‌آرای، ۱۳۹۳؛ داورپناه، ۱۳۹۶)؛ بررسی محدود یک جنبه از نظریات فارابی از حیث فلسفی (کرد فیروزجایی، ۱۳۸۹؛ مبلغی و محمدی‌کیا، بی‌تا؛ مقدم و محمدی‌اشیانی، ۱۳۹۶؛ شریفی و همکاران، ۱۳۹۷؛ سلیمانی امیری، ۱۳۸۱؛ صدرا، ۱۳۸۹) و تبیین مؤلفه‌های برنامه درسی مانند محتوا و روش تدریس (اسلامیان و کشتی‌آرای، ۱۳۹۳) می‌باشند. ضرورت این تحقیق از آنجاست که اولاً با تحقیقات مرتبط قبلی از حیث نوع رویکرد و روش تحقیق متفاوت است. در همه پژوهش‌ها از نظریات تربیت اجتماعی فارابی به صورت تطبیقی با سایر اندیشمندان استفاده شده است، درحالی‌که در تحقیق پیش رو، هدف این است که با تمرکز بر اندیشه فارابی، تربیت مدنی و مبانی عقلی آن به طور جامع مورد بررسی قرار گیرد. همچنین یکی از نوآوری‌های تحقیق حاضر لزوم ابتناء و حفظ ارتباط بین بعد نظری (مبانی عقلی اندیشه فارابی) و عملی (دلالت‌های تربیتی) در

تحقیق است؛ ثانیاً با توجه به دغدغه "کاربردی ساختن" روش‌های تربیتی برای حل مسائل اجتماعی روشن می‌گردد؛ ثالثاً در هیچیک از تحقیق‌های پیشین به مبانی عقلی جامعه‌شناختی فارابی و مبانی عقلی ارزش-شناختی فارابی به شکل مبسوط و با هدف استخراج نکات تربیتی پرداخته نشده‌است؛ رابعاً با عنایت به اهمیت موضوع دانش تربیت یعنی "انسان" و نقش بسزای آن در اجتماع، با وجود آنکه تحقیقاتی هست که به ابعاد مختلف انسان از دیدگاه فارابی پرداخته‌اند، محقق بر آن شد بار دیگر از حیث وجوه فلسفی و تربیتی به طور توأمان به تحلیل مبانی عقلی انسان‌شناسی تربیت مدنی در اندیشه فارابی بپردازد. خامساً در تحقیقات پیشین از روش‌های تدریس و روش‌های فلسفی برگرفته از آثار فارابی بحث شده است، ولی در تحقیق حاضر بحث از روش‌های تربیتی مبتنی بر مبانی عقلی فارابی است که می‌تواند راهنمای عمل تربیتی والدین و مربیان در نهادهای مختلف اجتماعی از جمله خانواده و مدرسه و غیره باشد.

این پژوهش، از نوع تحلیل محتوای کیفی قیاسی است. یکی از فنون تحلیل محتوا، تحلیل مقوله‌ای است که بر پایه عملیات برش متن در واحدهای مشخص و سپس طبقه‌بندی این واحدها در مقوله‌هایی است که بر حسب مشابهت طبقه‌بندی شده‌اند (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۸: ۸۲-۷۹). تحلیل محتوای کیفی قیاسی عبارت است از برجسته‌سازی و بیان نظام‌مند نکات پراکنده ناظر به موضوع و مقوله‌ها، نقطه شروع آن نظریه‌ها، رویه‌ها، تحقیقات موجود و دانش متخصصان است و فرآیند تفسیر آن شامل استنتاج براساس مقوله، کد و روابط آنهاست (محسنی تبریزی و سلیمی، ۱۳۹۱). منطق قیاسی، از کل به جزء و از نظریه به سمت تجربه و مشاهده حرکت می‌کند. مراحل روش تحلیل محتوای کیفی از نوع قیاسی به شرح ذیل است: مشخص کردن مسئله پژوهش، تدوین سؤالات و اهداف، تعریف و مشخص کردن متغیرها، نمونه‌گیری و انتخاب واحدهای تحلیل، کدگذاری و مقوله‌بندی و تحلیل و استنباط نتایج (تبریزی، ۱۳۹۳). مهمترین مرحله روش تحلیل محتوای کیفی، استنباط است که بر اساس آن، رابطه مفاهیم با یکدیگر مشخص می‌شود (باردن، ۱۳۷۵: ۱۳۳). در نهایت، در این تحقیق میان تبیین مبانی (گزاره‌های توصیفی زیربنایی عقلی فارابی در باب حیات مدنی) و تربیت مدنی فارابی که همان گزاره‌های تجویزی روبنایی تربیتی وی در عرصه اجتماع است، ارتباط برقرار گردیده‌است.

۲- مبانی عقلی انسان‌شناسی تربیت مدنی در اندیشه فارابی

در اینجا مبانی عقلی تربیت مدنی در اندیشه فارابی در سه بخش مبانی عقلی انسان‌شناسی تربیت مدنی، مبانی عقلی ارزش‌شناسی تربیت مدنی و مبانی عقلی جامعه‌شناسی تربیت مدنی معرفی شده و سپس دلالت‌های تربیتی آن در قالب اهداف و روش‌های تربیتی استخراج شده است. احساس تعلق به جامعه، انسان را نسبت به این امر آگاه می‌سازد که واحد اجتماعی، مهم‌تر از فرد است (سبحانی نژاد و منافی، ۱۳۹۰: ۱۰۹). خود، به‌تنهایی موجودیت ندارد. او در "جامعه" برای "جامعه" و به‌وسیله "جامعه" زندگی می‌کند. همچنان که جامعه وجود خارجی نمی‌یابد، مگر در قالب افراد و به وسیله افراد که آن‌را

تشکیل می‌دهند (شعاری نژاد، ۱۳۸۷: ۴۵۰). فارابی به نوعی فرد را مقدم بر مدینه می‌داند و بحث خود را با انسان‌شناسی آغاز می‌کند (طباطبائی، ۱۳۷۵: ۱۲۴). در ادامه به برخی از مبانی عقلی انسان‌شناختی وی می‌پردازیم:

۲-۱- انسان موجودی مرکب از روح مجرد و جسم مادی است

روح انسان در دامن جسم او زائیده می‌شود و تکامل می‌یابد و به استقلال می‌رسد. حیوانیت انسان به منزله آشیانه است که انسانیت او در آن رشد می‌یابد و متکامل می‌شود (توانا و قربی، ۱۳۹۷: ۷۹). روح انسان اشرف از بدن اوست و نفس و بدن در یکدیگر اثر می‌گذارند و ملکات نفسانی تابع مزاجات بدن‌ها هستند. ارتباط نفس و بدن منشأ آثاری در قوای نفس و سعادت اوست. بدن در حکم ابزاری برای افعال نفس است و نفس، فاعل خیر و شر است. صحت بدن در اثر اعتدال مزاج و مرض آن به سبب انحراف از اعتدال پدید می‌آید (فارابی، ۱۳۸۸: ۷-۵). بنابراین فارابی بیان می‌دارد که نفس دارای حقیقتی غیرمادی است و قوایی دارد که هر یک مربوط به مرتبه‌ای از کمال آدمی است.

۲-۲- انسان دارای قوای نفس است

نفس آدمی پنج قوه دارد: غذایی، حاسه، متخیله، ناطقه و نزوعیه (فارابی، ۱۳۶۱: ۲۵). نخستین قوه نفس (غذایی) که به تغذیه انسان اختصاص دارد. قوه حاسه ملموساتی مانند حرارت و برودت را در می‌یابد. قوه متخیله، تنها در قلب جای دارد و وظیفه آن حفظ محسوسات است. قوه ناطقه که انسان به وسیله آن تعقل می‌کند، علوم و صناعات را فرا می‌گیرد. قوه غذایی رئیسه و حاسه رئیسه و نیز قوه متخیله، خادم قوه ناطقه‌اند. قوه ناطقه وجه امتیاز انسان از حیوان و معیار برتری اوست. تمایل و گرایش یا تنفر و اکراه نسبت به امور گوناگون، در اثر قوه نزوعیه پدید می‌آید. اراده نیز از این قوه ناشی می‌شود (همان، ۱۳۵۸: ۸۰-۷۵). با شناخت قوای نفس، پتانسیل‌های آنها و روابط بین قوای نفس برنامه‌ریزی و ارائه راهکار برای تربیت مدنی افراد تسهیل می‌گردد.

۲-۳- انسان دارای وحدت نفس است

نفس انسان امری واحد است و قوای مذکور هر یک مرتبه‌ای از این حقیقت واحدند. هر مرتبه پایین نسبت به مرتبه مافوق چون ماده است و هر مرتبه بالاتری نسبت به مادون خود چون صورت. همان‌گونه که قوای نفس‌انسانی در پیوندی طولی هر یک در خدمت قوه بالاتر از خویشند و همان‌گونه که اعضای بدن هر یک خدمتگزار عضوی دیگرند تا همه در خدمت قلب باشند. انسان موجودی برتر است و دیگر انواع همه به عنوان خادم انسان آفریده شده‌اند. کمال مخصوص انسان، سعادت است و هر انسان واجد

رتبه‌ای خاص از سعادت می‌گردد (اعرافی و همکاران، ۱۳۸۸: ج ۱، ۹۶-۹۵). با علم به مراتب نفس انسانی و تمرکز بر هدف غایی که همانا رسیدن به سعادت است، افراد در جامعه تمام همت خویش را در جهت رسیدن به استکمال نفس مصروف می‌دارند و از زندگی اجتماعی هدفمندی برخوردار می‌شوند.

۲-۴- انسان دارای مراتبی از کمال و سعادت است

انسان‌ها در تشخیص سعادت خود یکسان نیستند. انسان دو نوع کمال دارد؛ زیرا دو نوع حیات دارد: حیات مادی و مجرد که در بیان فارابی به حیات اولی و حیات اخیره تعبیر شده است. حیات اولی، قائم به اشیای خارجی است و حیات اخیره قائم به ذات است؛ کامل‌ترین انسان انسانی است که از تعلق به ماده بی‌نیاز گردد، چنان که به مرتبه عقل فعال می‌رسد. از نظر فارابی، عقل طریق مطلق رسیدن به سعادت است (اعرافی و همکاران، ۱۳۸۸: ج ۱، ۹۸-۹۷). وی سعادت را به دو بخش دنیوی و اخروی تقسیم می‌کند و سعادت دنیوی را مقدمه سعادت اخروی می‌داند (ایمانی و بابایی، ۱۳۸۷: ۸۱). فارابی معتقد است مراتب سعادت تحت تأثیر سه عامل است: نوع، کمیت و کیفیت (داودی، ۱۳۹۳: ج ۱، ۱۴۴-۱۴۳). به میزانی که انسان خردمند به معرفت بیشتری دست یابد به سعادت حقیقی که با قطع تعلق از عالم ماده محقق می‌شود، دست می‌یابد و گوهر جان خویش را صیانت می‌کند و در کمال طهارت نفس به سوی عالم باقی می‌شتابد.

۳- مبانی عقلی ارزش‌شناسی تربیت مدنی در اندیشه فارابی

۳-۱- هدف آفرینش انسان رسیدن به سعادت نهایی است

سعادت یک هدف عملی در زندگی است که عبارت است از سلامت، آرامش و اعتدالی که از طریق شهود، معرفت، حقیقت‌جویی، فعالیت عقلانی و کسب فضائل عاید انسان می‌گردد (اعوانی، ۱۳۹۴: ۱۰-۷). اراده، اختیار و انتخاب انسان و همچنین شرایط و عوامل اجتماعی در تعامل با یکدیگر، سرنوشت انسان و جامعه را رقم می‌زنند (خسروپناه، ۱۳۹۳: ۲۴۸). نفس انسان فطرتاً آماده وصول به سعادت بوده و باید از مرتبه قوه به فعل درآید. هیچ انسانی فطرتاً نمی‌تواند از پیش خود سعادت را بشناسد، بلکه نیاز به راهنما دارد. فارابی تشکیل مدینه را نخستین مرتبه کمال برای نوع انسان دانسته است (فارابی، ۱۳۵۸: ۱۳۶-۱۵۸) و نیل به سعادت را جز از مجرای تشکیل مدینه و شرکت در آن امکان‌پذیر نمی‌داند. شهر این زمینه را فراهم می‌کند تا افراد و گروه‌های اجتماعی به کمک یکدیگر به دانش و خرد برسند (پارسانیا و رضوانی، ۱۳۹۲: ۱۱۲). بنابراین خرد جمعی زمینه دستیابی به حقیقت و رسیدن به سعادت را فراهم می‌نماید و مدینه فاضله باید پرورش‌دهنده افراد دوستدار دانایی باشد تا در آن گرایش‌های فطری افراد جامعه به شکوفایی هرچه بیشتر برسد.

۲-۳- ارزش‌ها مطلق هستند

فارابی سعادت اخلاقی را جزئی از سعادت مدنی می‌داند و به همین جهت حکمت عملی را منحصر در علم مدنی می‌داند. از نظر وی نیل به سعادت که غایت علم اخلاق است از راه تحقق خیر و فضیلت امکان‌پذیر است و راه ایجاد فضیلت در وجود انسان آن است که افعال و سنن فاضله پیوسته در شهرها و میان‌امت‌ها رایج باشد و همگان مشترکاً آنها را به کار بندند (فارابی، ۱۳۶۴: ۱۰۶). فارابی ارزش‌های اساسی را مطلق می‌داند. از نظر ایشان غایت اخلاق، تحصیل سعادت است (ایمانی و بابایی، ۱۳۸۷: ۸۱). ویژگی رفتارهای صادره از صاحبان فضیلت‌های اخلاقی این است که در حد وسط اند. افعال در صورتی که از حد وسط بگذرند خُلق قبیح ایجاد می‌کنند.

۳-۳- سعادت رسیدن به خیر مطلق و مطلوب بالذات است

انسان در زندگی خود به چیزهایی شوق دارد یعنی انسان در زندگی مطلوب‌هایی دارد، اما مطلوب‌ها همگی از یک سنخ نیستند و در یک رتبه قرار ندارند. مطلوب گاهی به خاطر خودش مطلوب است و گاه به خاطر چیزی دیگر. در میان انواع مطلوب‌ها، مطلوب همیشه بالذات، برترین خیر و در نتیجه غایت نهایی است. سعادت انسان مطلوب همیشه بالذات، یعنی کامل‌ترین خیر و غایت نهایی است که خیری بالاتر از آن و غایتی ورای آن وجود ندارد (فارابی، ۱۳۸۴: ۸۴-۸۳). براساس این مبنای عقلی تربیت مدنی باید افراد را به جمیع امور خیر رهنمون شده و زمینه شناسایی خیر مطلق را فراهم نماید.

۴-۳- خُلق انسان اکتسابی و قابل تغییر است

مادامی که انسان خُلقی را تحصیل نکرده‌است، می‌تواند به تحصیل خُلقی خاص بپردازد. اگر برای او خُلقی حاصل شده باشد نیز می‌تواند به اراده خویش آن را تغییر دهد. تکرار بی‌درپی و طولانی مدت افعال متناسب با هر خُلُق، سبب استقرار آن خُلُق در نفس انسان می‌شود. پس اگر افعالی که فرد آن را مکرراً انجام می‌دهد، افعالی متناسب با فضایل باشند موجب پدید آمدن فضیلت می‌شوند (فارابی، ۱۳۸۸: ۲۲-۲۱). برای رسیدن به سعادت دو چیز لازم است: "قوت ذهن" و "خُلُق فاضل". آنچه خُلُق را پدید می‌آورد یا از میان می‌برد "عادت" است. عادت حاصل انجام چندین باره یک عمل در زمان طولانی در فواصل زمانی نزدیک به هم است (فارابی، ۱۳۸۴: ۹۳-۹۱). رهاورد این مبنای عقلی برای تربیت مدنی این است که افراد باید با دقت بیشتری به پرورش عادات نیکوی خویش همت گمارند و با امید به تغییر مثبت در جهت ساختن شاکله خویش گام بردارند و هرگز احساس عدم توانمندی ننمایند. اگر این فرهنگ و نوع نگاه امیدوارانه در همه افراد ایجاد گردد، می‌توانیم شاهد جامعه فاضله پویایی باشیم.

۴- مبانی عقلی جامعه‌شناسی تربیت مدنی در اندیشه فارابی

۴-۱- جامعه دارای اقسامی است

جامعه مجموعه‌ای از افراد انسانی است که با نظامات و سنن و آداب و قوانین خاص به یکدیگر پیوند خورده و زندگی دسته‌جمعی دارند (مطهری، ۱۳۹۲: ۱۷). نوع انسان بالطبع محتاج بود به اجتماع و این نوع اجتماع را تمدن خوانده و تمدن مشتق از مدینه بود و مدینه موضوع اجتماعی اشخاصی است که به انواع صناعت‌ها مشغول هستند (طوسی، ۱۳۵۶: ۲۵۱). فارابی مدینه را براساس چگونگی تأمین نیازهای اعضا به دو نوع کامل و غیر کامل تقسیم می‌کند. اجتماع کامل، اجتماعی است که بدون توسل به اجتماعی دیگر نیازمندی‌های اعضای خویش را فراهم می‌کند. اجتماعات کامل سه گونه‌اند: اجتماع عظمی، وسطی، صغری. اُمت به سه چیز شناخته می‌شود: ۱. نژاد؛ ۲. خصال؛ ۳. زبان. اجتماع غیر کامل نیز خود تقسیماتی دارد: اجتماع مردم ده یا محله و منزل که کوچکترین واحد اجتماع است. تشکیل مدینه که کوچکترین اجتماع کامل است شرط ضروری رسیدن انسان به کمال خویش است. به همین جهت فارابی آن را اولین مرتبه کمال انسان می‌داند و خیر افضل را به وسیله اجتماع مدنی قابل تحصیل می‌داند. او انجام وظایف مدنی را راه رسیدن به کمال می‌شمارد. در اجتماع کامل امکان رسیدن به سعادت وجود دارد (اعرافی و همکاران، ۱۳۸۸: ج ۱، ۱۲۲-۱۲۱).

او مدینه کامل را براساس هدفی که اختیار کرده‌اند به دو نوع فاضله و غیرفاضله تقسیم‌بندی می‌کند. مدینه فاضله مدینه‌ای است که هدفش سعادت واقعی است (فارابی، ۱۳۵۸: ۱۵۷). از نظر فارابی، مدینه‌های غیرفاضله، مدینه‌هایی هستند که اهدافی غیر از وصول به سعادت حقیقی را مدنظر خویش قرار می‌دهند و بر اساس هدفی که برگزیده‌اند به انواع مختلفی تقسیم می‌شوند که عبارتند از: مدینه جاهلیه، مدینه فاسقه، مدینه متبدله و مدینه ضاله. مدینه جاهلیه، مدینه‌ای است که مردم آن سعادت را نشناخته‌اند؛ مدینه فاسقه، آن است که به هر چیزی که باید مردم مدینه فاضله بدانند آگاهی دارند، ولی افعال و کردار آنان به مانند افعال و کردار مدینه‌های جاهلیه است؛ مدینه متبدله، مدینه‌ای است که آراء و عقاید و افعال آنها در حال حاضر تبدیل یافته؛ مدینه ضاله، آن است که مردمش در زندگی، همان سعادت را که مردم مدینه فاضله می‌خواهند، طالب هستند و لکن سعادت مطلوب نزد مردم دگرگون شده و به عقاید فاسدی معتقد شده‌اند (همان، ۱۳۶۱: ۲۸۷-۲۷۸). این مبانی عقلی به افراد برای تشکیل جامعه و بهزیستی خویش آگاهی می‌دهد و آنها را در انتخاب‌های عاقلانه خویش یاری می‌رساند.

۴-۲- افراد جامعه ذو مراتب هستند

افراد مدینه فاضله درجاتی دارند که بعضی بر بعضی دیگر به طریقی پیشی دارند (فارابی، ۱۳۸۸: ۵۸). معلم ثانی مراتب مردم مدینه‌ها در ریاست و خدمت را بر حسب فطرت، عادات، تربیت و آداب آنان متفاوت

دانسته است (فارابی، ۱۳۵۸: ۱۶۱). فارابی وجود طبقات مختلف اجتماعی در نظام اجتماعی را به رسمیت می‌شناسد و آن را برای تداوم حیات اجتماعی ضروری می‌داند. از نظر او اعضاء جامعه سرشت‌هایی با درجات متفاوت از هم دارند و ذاتاً دارای مراتب مختلفی‌اند و بعضی از آن‌ها بر بعضی دیگر فضیلت دارند و این برتری فقط ویژگی‌های فطری و انتسابی را شامل نمی‌شود، بلکه ویژگی‌های اکتسابی نظیر آشنایی با فنون و مهارت‌ها را نیز در برمی‌گیرد. فارابی معتقد است مردم از نظر میزان برخورداری از قدرت تشخیص و قدرت اراده به چهار دسته تقسیم می‌شوند: دسته‌اول: آزادگان بالطبع. این صنف هم قدرت تشخیص عالی دارند، هم عزم و اراده قوی؛ دسته‌دوم: انسان‌های بهیمی. این افراد از هر دو ویژگی محرومند؛ دسته‌سوم: بردگان بالطبع. اینها اراده قوی ندارند و به همین سبب طبیعتاً بنده خواسته‌های نفس هستند؛ دسته‌چهارم: کسانی هستند که توانایی تشخیص ندارند (داودی، ۱۳۹۴: ج ۲، ۱۴۸-۱۴۷). همچنین فارابی در اجتماع فاضله خود به معرفی گروه‌هایی نیز پرداخته است:

فارابی مخاطبان اصلی «ذووا الألسنة» را «مؤمنان» می‌خواند. در اینجا این گروه را در سه محور اساسی ذیل خلاصه می‌کنیم. گروه اول، عالمان دین هستند. فارابی این گروه را «حملة الدین» می‌نامد و آنان را در دو صنف «متکلمان» و «فقیهان» منحصر می‌کند. گروه دوم، خطیبان هستند. گروه سوم، شاعران، موسیقی دانان و نویسندگان هستند (مهاجرنیا، ۱۳۸۰: ۲۷۳-۲۶۶). همه افراد در صورت حضور در جامعه و قرار گرفتن در طبقات اجتماعی و انجام وظایف به کمال می‌رسند و رسیدن به سعادت به وسیله وحدت و سازگاری است. افراد ذاتاً با یکدیگر در حال تعارض نیستند، اما گاهی به لحاظ زیاده‌طلبی، بعضی از افراد به تعارض با دیگران تمایل دارند و این افراد نیروهای مزاحم جامعه می‌باشند (آزاد ارمکی، ۱۳۹۳: ۲۳۶). رعایت تفاوت‌های فردی و طبقه بندی افراد براساس استعدادهای عقلی می‌تواند در رسیدن به اهداف مطلوب در زندگی مدنی بسیار مفید واقع شود و فارابی نیز بر این امر واقف بوده است.

۴-۳- زندگی مدنی نیازمند قوانین و مقررات است

انسان در اسلام ماهیتی هردوجهانی دارد. نسخه‌های اسلام برای مسئولیت‌پذیری اجتماعی نیز هردوجهانی است. در اندیشه دینی، مسئولیت انسان و اعمال انسانی وی در سه حوزه مسئولیت انسان در قبال خداوند، در قبال نفس خویش و در قبال جامعه قابل بررسی است. نجات انسان در گرو نجات جامعه است (ایمان و کلاته ساداتی، ۱۳۹۹: ۶۴۸-۶۴۶). قانون، روابط میان اعضای جامعه و نیز چگونگی و میزان یاری افراد به جامعه و متقابلاً میزان و چگونگی بهره‌مندی آنها از دستاوردهای جامعه را مشخص می‌کند (داودی، ۱۳۹۳: ج ۱، ۲۲۳). قانون ضرورتی مفید در زندگی سیاسی و اجتماعی آدمیان است. هنگامی که قانون وجود نداشته باشد عدالتی هم متصور نخواهد بود (هابز، ۱۳۸۰: ۱۶۰). بشر موجودی است که به یک سلسله نیروها مجهز است. به حرکت درآوردن و بهره برداری از نیروهای وی، تابع یک سلسله قوانین بسیار دقیق است که شناخت آن، کلید راه نفوذ در دل‌ها است (مطهری، ۱۳۷۳: ۲۱۰). آنچه قانون مدینه فاضله

فارابی می‌باشد همان است که وی آن را شریعت می‌نامد (لیثی آذر، ۱۳۹۷: ۸۹). مدینه فاضله فارابی، همانند نظام عالم و نظام بدن انسان، نظامی خودبسند است و در آن افراد به صورت سلسله طولی در طبقات مختلفی قرار دارند (رجبی و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۵-۴۳). فارابی معتقد است دو قانون است که باید بر جامعه فاضله حاکم باشد: ۱- محبت، ۲- عدالت. در یک تقسیم کلی، محبت دو گونه است: الف- طبیعی، ب- ارادی. فارابی منشأ محبت ارادی را سه چیز می‌داند: لذت، نفع و سعادت. عدالت باید در دو مورد رعایت شود: عدالت در تقسیم خواستنی‌های مشترک اعضای جامعه فاضله، دیگری عدالت در حفظ خواستنی‌های مشترک متعلق به جامعه (داودی، ۱۳۹۳: ج ۱، ۲۲۸-۲۲۵). شریعت در دیدگاه فارابی مطابق با نظام حاکم بر کائنات است و این نظام، نظامی عدل‌محور است، بنابراین مبتنی بر عدالت حقیقی بوده و پیاده کردن آن در سطح مدینه، آنرا در راستای نظام عادلانه حاکم بر کل عالم وجود قرارداده و موجبات فاضله گشتن آنرا فراهم می‌نماید (لیثی آذر، ۱۳۹۷: ۹۰). در جوامع غیرفاضله، سلطه و غلبه، قاعده و قانون بنیادین حاکم بر روابط میان‌اعضاء است (داودی، ۱۳۹۳: ج ۱، ۲۴۹-۲۴۷). مقررات اسلامی تنها جنبه فردی ندارد، بلکه برای اصلاح فرد که جزء هست، اصلاح کل را لازم می‌شمارد (سعیدی، ۱۳۸۳: ۸). براساس این مبانی عقلی، هر جامعه برای دستیابی به عدالت و رعایت حقوق افراد و صیانت از شئون انسانی آنها باید تلاش - نماید. در چنین جامعه‌ای است که فضیلت و خیر جاری می‌گردد و افراد در این فرایند به انواع کمالات می‌توانند دست یابند.

۵- اهداف تربیت مدنی در اندیشه فارابی

افراد انسانی حتی اگر به یکدیگر نیازمند نباشند، باز یک تمایل فطری به زندگی در اجتماع دارند. در عین حال نفع مشترک نیز عاملی است که آدمیان را گرد هم می‌آورد، مادامی که منفعت همه آنها وصول به یک زندگی خوب باشد. پس زندگی خوب، هدف اصلی اجتماع است، هم برای مجموع افراد آن، هم برای یکایک ایشان (برزگر کلیشمی، ۱۳۷۲: ۱۶۸). محور اصلی نظرات فارابی در شباهتی است که نظام هستی با نظام اجتماعی و نظام حاکم بر انسان به عنوان فرد، داراست. تفسیر وی از نظام هستی، ترسیم‌کننده پیکری واحد در اوج انسجام و سازگاری است. بر این اساس، معلم ثانی در نظام هستی و مدنی، همه چیز را هدفمند می‌بیند که به سوی غایتی در حرکتند و برای اعضای مدینه نیز اهدافی را در نظر گرفته است. مدینه فاضله در حکم یک محیط تربیتی است و قوانین حاکم بر آن، عملکرد و نقش تربیتی دارند (میرزا محمدی، ۱۳۸۲: ۲۱۶). به‌طور کلی می‌توان اهداف در نظر گرفته شده فارابی را در مورد تربیت مدنی به صورت زیر بیان نمود:

۵-۱- ایجاد و گسترش نگرش صحیح نسبت به سعادت و چگونگی قویت اعتقاد به آن

در میان افراد مدینه

سعادت از نظر فارابی خیر مطلق است و آخرین هدفی است که آدمی برای وصول به آن می‌کوشد. او راه شناخت سعادت را در زندگی اجتماعی می‌داند (پارسانیا و رضوانی، ۱۳۹۲: ۱۱۶). فضای اجتماعی حاکم بر مدینه در شیوه تفکر، شناخت افراد و گروه‌های اجتماعی بسیار تأثیرگذار است و بر اساس مبانی جامعه-شناختی وی، تعریف هر فرد از سعادت می‌تواند معیار نخستین عضویت او در مدینه باشد (اعرافی و همکاران، ۱۳۸۸: ج ۱، ۱۳۱). در نتیجه، اولین هدف مهم تربیت مدنی از نظر فارابی آن است که آموزش‌های مریبان در مدینه بایستی به گونه‌ای صورت پذیرد که سبب ایجاد نگرش صحیح نسبت به سعادت حقیقی و نیز تقویت اعتقاد به آن در میان اعضای مدینه گردد.

۵-۲- ترغیب و تشویق افراد برای عمل بر طبق عقاید صحیح

معلم ثانی معتقد است هر کس به واسطه استعدادهایی که در خود می‌بیند، بخشی از مسئولیت‌های شهرها را به عهده خواهد گرفت و یا رئیس مدینه، هر یک از مردم را به اندازه شایستگی‌هایشان به کارهایی راهنمایی خواهد کرد و آنان را به انجام کارهای شایسته وادار خواهد نمود؛ زیرا به کار بردن اعمال بایسته در شهروندان، عادت‌های نیکوی روانی در آنها پدید می‌آورد و آن اعمال و کارها در نفس آنها ملکه پسندیده به وجود می‌آورد و سعادت نهایی در این هنگام برای فرد حاصل می‌شود (فارابی، ۱۳۷۶: ۲۰۸). براساس مبانی ارزش‌شناختی فارابی، مادامی که انسان عقیده‌ای را تحصیل نکرده است، می‌تواند به تحصیل عقاید خاصی بپردازد. حتی اگر برای او باوری ناصحیح هم حاصل شده باشد، می‌تواند به اراده خویش آن را تغییر دهد و تکرار پی‌درپی و طولانی مدت افعال متناسب با هر عقیده‌ای سبب پدید آمدن و استقرار آن در نفس انسان می‌شود. فارابی راه رسیدن به این مرحله را تحصیل علوم نظری و عملی و اکتساب همه فضایل و عمل بر طبق آن می‌داند؛ بنابراین پس از آنکه مریبان در مدینه ابتدا علوم نظری و عملی را به اعضای مدینه معرفی ساختند، باید ایشان را به عمل بر طبق این عقاید صحیح تشویق و ترغیب کنند.

۵-۳- آموزش مهارت‌های مورد نیاز مدینه و شیوه صحیح تعاون اعضاء با یکدیگر

معلم ثانی افراد را از لحاظ استعداد مختلف می‌داند (مبنای انسان‌شناختی) و همکاری در مدینه را برای رسیدن به کمال برای نوع انسان ضروری می‌شمارد و نیل به سعادت را جز از مجرای تشکیل مدینه و تعاون در آن امکان‌پذیر نمی‌داند (مبنای ارزش‌شناختی) (پارسانیا و رضوانی، ۱۳۹۲: ۱۱۲). طبق مبانی جامعه‌شناختی فارابی شرط تشکیل مدینه فاضله، تعاون و همکاری اعضاء مدینه با یکدیگر است (مهاجرینا، ۱۳۸۰: ۲۰۴). به منظور نقش آفرینی افراد در مدینه و پیدایش موجبات تعاون، لازم است برای انجام

وظایفی که برعهده آنها گذاشته شده آموزش لازم را ببینند (میرزا محمدی، ۱۳۹۳: ۱۰۴).

۴-۵- اهداف تربیت مدنی در حالت حاکمیت جامعه فاضله

از زاویه‌ای دیگر، با توجه اینکه فارابی که جوامع را به دو نوع فاضله و غیرفاضله تقسیم‌بندی کرده است (مبنای جامعه‌شناختی)، می‌توان اهداف تربیت مدنی وی را نیز بسته به نوع جامعه، به دو دسته تقسیم کرد. بر این اساس، اهداف تربیتی در مدینه فاضله و غیرفاضله متفاوت خواهد بود. هدف تعلیم و تربیت، پرورش شهروندان جامعه‌پذیر و سعادتمند است و تعلیم و تربیت بایستی درصدد ایجاد شخصیت‌های بافضیلتی باشد که نگرش‌ها و تمایلات و رفتار مطلوب اجتماعی را از خود بروز دهند (افلاطون، ۱۳۵۷: ۲۷). در اجتماع، انسان یاد می‌گیرد که بر نقش خود غلبه کند و منافع خود را فدای منافع عمومی نماید (روسو، ۱۳۸۰: ۳۵). هدف تربیت مدنی اختصاصی باید پرورش شهروندانی باشد که بتوانند بالفعل نقش خاصی را در مدینه به‌عهده گیرند و عضوی فعال و مفید در جامعه باشند (داودی، ۱۳۹۴: ج ۲، ۵۸-۵۷).

با توجه به مباحث اشاره شده در مبانی انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی فارابی درباره جامعه فاضله، قرار گرفتن افراد در موقعیت‌های مختلف اجتماعی موروثی نیست، بلکه در گرو برخورداری از شایستگی‌های لازم برای انجام وظایف مربوط به آنهاست و برخورداری از صلاحیت‌های مورد نیاز برای احراز یک موقعیت اجتماعی تابع سه متغیر است: استعداد طبیعی، تعلیم و تربیت مناسب و تلاش فردی (فارابی، ۱۳۵۸: ۱۶۱). درواقع در جامعه فاضله افراد دارای استقلال فکری و رشد اجتماعی هستند. قوه تمییز حق از باطل و خیر از شر در آنها به خوبی پرورش‌یافته و دارای عقلانیت و اخلاق فاضله هستند و می‌توانند برای سایر افراد به‌عنوان الگو قرار بگیرند.

۵-۵- اهداف تربیت مدنی در حالت حاکمیت جامعه غیرفاضله

اگر جامعه موجود جامعه غیرفاضله باشد، مربی نمی‌تواند و نباید باورها و دانش‌های مطلوب آن جامعه را به متربیان بیاموزد. در چنین وضعیتی وظیفه اخلاقی و انسانی مربی، می‌بایست آماده کردن افراد و توانمند ساختن آنها برای از میان بردن نظام غیرفاضل و برپایی نظام فاضل باشد؛ زیرا براساس مبانی جامعه‌شناختی وی، تنها نوع جامعه مقبول، جامعه فاضله است و در چنین وضعیتی اگر مربی درصدد عمل کردن برخلاف وظیفه‌اش باشد، متربیان می‌توانند و باید در مقابل او مقاومت کنند و آموزه‌های او را نپذیرند. بنابراین در تربیت مدنی در صورت حاکمیت جامعه غیرفاضله، مربی نباید آنچه را مقبول جامعه یا خود اوست بر مربی تحمیل کند (داودی، ۱۳۹۴: ج ۲، ۵۹-۵۸). بنابراین مربیان در جامعه غیرفاضله باید به صورت گام‌به‌گام به آگاهی‌بخشی و غفلت‌زدایی بپردازند تا فضا جهت رشد و تعالی افراد روز به روز فراهم‌تر گردد. تربیت مدنی در چنین فضایی نیازمند صرف وقت و فرهنگ‌سازی است.

۶- روش‌های تربیت مدنی در اندیشه فارابی

اسلام بین فرد و جامعه رابطه حقیقی قائل است. این رابطه حقیقی بین شخص و اجتماع، لزوماً منجر به یک موجودیت دیگری در اجتماع خواهد شد که به مقیاس امتداد وجود و قوا و خواص و آثار اشخاص موجودیت دارد (طباطبائی، ۱۳۶۵: ۱۷). همان‌طور که در بخش اهداف تربیت مدنی از دیدگاه معلم ثانی اشاره شد، هدف اصلی تربیت مدنی باید هدایت و رساندن افراد به سعادت حقیقی باشد و بدین‌منظور، آموزش‌هایی که لازمه رسیدن به سعادت حقیقی است را باید به اعضای مدینه انتقال داد. به دلیل اینکه گروه‌های مختلف مردم، از حیث توانایی و قدرت آموختن یکسان نیستند، روش مورد نیاز برای آموزش هر گروه با دیگری متفاوت است (فارابی، ۱۳۵۸: ۱۵۲-۱۵۱). معلم ثانی در یک تقسیم‌کلی تعلیم مسموع و تعلیم به احتذاء را معرفی می‌نماید. در تعلیم مسموع وسیله انتقال مفاهیم الفاظ هستند و در شیوه احتذاء که با مربی با مشاهده افعال مربی و تقلید از او به مهارت دست می‌یابد (اعرافی و همکاران، ۱۳۸۸: ج ۱، ۱۳۴). برخی از روش‌های تربیت مدنی فارابی عبارت است از:

۶-۱- روش برهانی

بر اساس اهداف فارابی از تربیت مدنی، از جمله ایجاد و گسترش نگرش صحیح نسبت به سعادت و تقویت اعتقاد به آنکه دستیابی به این اهداف مستلزم تفکر و استدلال و درک عمیق است، می‌توان از این روش بهره گرفت. معلم ثانی معتقد است فقط عده کمی از انسان‌ها توانایی لازم را دارند که با استفاده از این روش آموزش ببینند، تا جایی که ایشان روش برهانی را مخصوص اندیشمندان دانسته‌است. آموزش و پرورش ویژه مخصوص نخبگان جامعه و آموزش و پرورش عمومی مخصوص توده مردم است (میرزا محمدی، ۱۳۹۳: ۱۲۲). با توجه به نکات بیان شده در مبنای انسان‌شناختی، قوه ناطقه قوه‌ای است که انسان به وسیله آن تعقل می‌کند و علوم و صناعات را فرا می‌گیرد و بین زشتی و زیبایی تمییز قائل می‌شود؛ بنابراین در همه روش‌ها قوه ناطقه نقش اصلی را برعهده دارد.

۶-۲- روش اقناعی

معلم ثانی برای آموزش محتوای عملی، روش قانع‌سازی را پیشنهاد می‌کند. او خطابه را جزء صنایع قیاسی می‌داند که می‌تواند به روشی بسیار مؤثر مخاطبان را اقناع کند (میرزا محمدی، ۱۳۹۳: ۱۲۰). خطابه توانایی گفتن مطالبی است که موجب اقناع درست و پذیرش کامل مخاطب می‌شود (فارابی، ۱۳۸۸: ۵۲). پس می‌توان چنین بیان کرد که چون آموزش به این روش و درک آموزه‌ها به این طریق از روش برهانی که مخصوص گروه خاصی از مردم است آسان‌تر است و همان‌طور که پیش از این بیان شد، این روش مربوط به عموم مردم است، رؤسای مدینه می‌بایست برای آموزش گروهی مردم به وسیله خطابه و اقناع،

ایشان را در یادگیری دانش‌های مورد نیاز و رفتارهای مطلوب جامعه تعلیم دهند و نیز از این طریق کمالات را در آنان پرورش دهند.

۶-۳- روش تروی

از دیدگاه فارابی نفس‌انسان به‌واسطه برخورداری از قوای حاسه و نزوعیه، به محسوسات و به تبع آن لذات آنی و ملموس گرایش فراوان دارد. درحالی که لذات سد راه اکثر خیرات بوده و مانع رسیدن به بزرگ‌ترین اموری است که به مدد آن‌ها می‌توان به سعادت رسید (فارابی، ۱۳۸۴: ۱۰۳-۱۰۲). از دیدگاه ایشان تروی به معنای تفکر و تأمل در عمل، به منظور بررسی پیامدهای مثبت و منفی آن و تصمیم‌گیری درباره انجام یا ترک آن است. تروی یکی از روش‌های تربیت است که در تربیت انسان‌ها بسیار مؤثر است. (داودی، ۱۳۹۴: ج ۲، ۱۵۷). بنابراین می‌توان در تعاملات اجتماعی از روش تروی استفاده نمود. یکی از آثار و نتایج بکار بستن این روش، پایداری و تحکیم روابط اجتماعی است. روش تروی امکان تدبیر در عمل را فراهم می‌آورد. بنابراین کنشگران اجتماعی با اجرای این روش به‌لحاظ فکری در طولانی مدت به افراد ژرف اندیشی تبدیل می‌شوند که برای انجام فعالیت‌های اجتماعی خویش هدف خاصی را دنبال می‌کنند و با قاطعیت وارد عرصه تصمیم‌سازی می‌شوند.

۶-۴- روش الگویی

روش الگویی روش مطلوب فطرت آدمی در تربیت است. انسان نمونه‌ای عینی را مطلوب خویش می‌گیرد و در همه امور خود را همانند الگوی مطلوب خویش می‌سازد. لازم است الگوهای والا به درستی معرفی شوند تا انسان با بینشی روشن، مصداق کمال حقیقی را تشخیص دهد و به الگوگیری بپردازد. معلم ثانی نیز با تأکیدهای فراوانی که در مبانی جامعه‌شناختی خویش مبنی بر نقش رئیس و فیلسوف در جامعه فاضله داشته است، به‌نوعی رئیس مدینه را الگوی سایرین قرار داده است. فیلسوف با عقل فعال، دانای به سعادت انسان شده و شایسته هدایت جامعه به کمال مقصود می‌گردد (قادری، ۱۳۷۸: ۱۴۴). انسان الگوپذیر است و بدین سبب یکی از بهترین روش‌های تربیت مدنی، ارائه نمونه و تربیت عملی است. این روش از مؤثرترین و پایدارترین انواع یادگیری‌ها تلقی می‌شود. شاید به همین دلیل است که در منابع اسلامی، بر پیروی از اسوه‌های حسنه تأکید شده است.

۶-۵- روش هنر مآبانه

در مبانی انسان‌شناختی معلم ثانی، یکی از قوای نفس قوه متخیله نام دارد و نفس به دلیل برخورداری از این قوه، برخی محسوسات را در خود تجزیه می‌کند و برخی را با برخی دیگر ترکیب می‌کند و از حاصل چنین ترکیب یا تجزیه‌ای با برخی محسوسات موافق یا مخالف می‌شود. بر این اساس می‌توان شیوه‌ای را به کار گرفت که فرد بر اساس بهره‌گیری از چنین قوه‌ای، آداب مدنی را بیاموزد و مشتاق عمل بر طبق آن شود. شیوه‌ای مناسب که به واسطه آن فضایل اخلاقی در مدینه معرفی شود و نیز اینکه فارابی در بحث اهداف تربیت مدنی ویژه گروه‌های مختلف، معتقد است باید باورها، و دانش‌ها و نیز صفات و رفتارهای خاص هر گروه به ایشان آموزش داده شود. به واسطه به‌کارگیری هنر در آموزش، به صورت غیرمستقیم می‌توان اعضای مدینه را به سمت فضایل شایسته سوق داد. معلم ثانی موضوع‌های هنری را به دو بخش تقسیم می‌کند: الف. موضوع‌های جدی ب. موضوع‌های سرگرمی، و بازی (میرزا محمدی، ۱۳۹۳: ۱۲۱-۱۲۰). پس می‌توان یکی از راه‌های مهم ترویج ارزش‌ها و فضایل اخلاقی و دینی در مدینه را روش تخیلی و بر اساس آن استفاده از هنر به خصوص شعر معرفی کرد (داودی، ۱۳۹۴: ج ۲، ۱۴۰). با بهره‌گیری از هنر و بازی در امر تربیت مدنی می‌توان در کوتاه‌ترین زمان و به صورت غیرمستقیم مفاهیم بسیار مهمی را به مرتبی منتقل نمود. چنانچه در بسیاری از الگوهای آموزشی نوین نیز این روش به مریبان تربیتی برای کار با کودکان توصیه می‌شود.

۶-۶- روش تکرار و تمرین اعمال شایسته

حصول ملکات و تحقق صفات به واسطه تکرار اعمال و افعال مقتضیه آنها است. بعد از تکرار عمل، ملکه راسخه در نفس حاصل می‌شود (نراقی، ۱۳۹۲: ۳۱). اصلاح اخلاق و تحصیل ملکات فاضله، در دو طرف علم و عمل، تنها و تنها یک راه دارد آن هم عبارت است از تکرار عمل صالح و مداومت بر آن (طباطبایی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۵۳۳). از نظر فارابی نیز برای تحصیل سعادت باید به ریاضت نفس و تمرین پرداخت (میرزا محمدی، ۱۳۸۴: ۵۷). فارابی عادت را برخلاف زمان حاضر، خود تکرار عمل می‌داند. آنچه را فارابی عادت تلقی کرده، همان است که امروزه آن را تمرین می‌نامیم. در مبانی ارزش‌شناختی به صورت تفصیلی به آن اشاره شد. برای اثربخشی تمرین، شرط‌هایی باید رعایت شود که عبارتند از تکرار عمل برای دوره‌های طولانی و تکرار عمل در فاصله‌های زمانی کوتاه. رفتارهایی به پیدایش خلق نیکو می‌انجامد که از افراط و تفریط دور باشند (داودی، ۱۳۹۴: ج ۲، ۱۵۳). بکار بستن روش تکرار و تمرین مستلزم تداوم عمل و خودسازی است. بنابراین فرد باید در جهت تقویت اراده خویش گام بردارد. یکی از راه‌های اجرای این روش فراهم آوردن زمینه‌های مناسب توسط مریبان است تا مریبان با بهره‌گیری از موقعیت‌های مختلف امکان خودسازی را پیداکنند؛ مثلاً تمرین سکوت و گزیده‌گویی، تمرین گوش‌دادن می‌تواند در مقبولیت اجتماعی افراد و موفقیت آنها در عرصه‌های گوناگون در مقاطع مختلف سنی کمک بسزایی نمایند.

۷- نتیجه‌گیری

در این پژوهش، مبانی مختلف عقلی نظیر مبانی انسان‌شناختی، مبانی ارزش‌شناختی و مبانی جامعه‌شناختی بر اساس آثار فارابی و کتب مرتبط با آن استخراج شد و برای عرصه عمل تربیتی و به‌طورخاص تربیت مدنی، دلالت‌هایی در قالب اهداف و روش‌ها استنباط گردید. با دانستن مختصات نظری علم مدنی یا به‌عبارتی علم شناخت جامعه در دیدگاه فارابی، به رهیافت‌هایی برای ساحت عملی تربیت دست می‌یابیم. از منظر فارابی غایت تربیت به‌طور عام انسان‌سازی و به‌طورخاص دستیابی به سعادت، کمال و خیر به وسیله کسب انواع فضائل است. در تربیت مدنی مبتنی بر مبانی عقلی فارابی، افراد می‌آموزند که چگونه با درنظرگرفتن تعاریف درست و متقنی از انسان، ارزش و جامعه، خود را برای تعاملات اجتماعی مهیا سازند و با هدف‌گذاری‌های دقیق و روش‌شناسی صحیح تربیتی در بستر زندگی اجتماعی رشد یابند. انجام پژوهش‌هایی در زمینه روش‌های رفع موانع تربیت مدنی از دیدگاه فیلسوفان اسلامی و نیز طراحی الگوی تربیت مدنی مبتنی بر مبانی معرفت‌شناختی فارابی، استفاده از ساختار و قوانین مورد نظر فارابی (در حد امکان) در تشکیل مؤسسات تربیتی نظیر مدارس، ترویج افکار عقلی و تربیتی فارابی به کمک رسانه‌هایی چون فیلم‌های آموزشی، انیمیشن و غیره به عنوان دانشمند مسلمان برای نوجوانان و جوانان، وارد نمودن یافته‌های تحقیق برای تدوین سرفصل‌های درس جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت پیشرفته، برگزاری کنفرانس‌ها، نشست‌های تخصصی در ارتباط با آراء فارابی و سرانجام پرورش مهارت‌های اجتماعی کودکان بر اساس نظرات فارابی می‌تواند مکمل پژوهش حاضر باشد.

منابع

قرآن کریم

۱. احمدی، اسلام، (۱۳۸۷). «تربیت اجتماعی از دیدگاه سعدی»، *پایان نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه شیراز.
۲. اسداللهی، زینب سادات، (۱۳۹۴)، «بررسی آراء و افکار فارابی و ابن سینا در امور اجتماعی»، *پایان نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه الزهراء.
۳. اسلامیان، مرضیه؛ کشتی آرای، نرگس، (۱۳۹۳)، «تبیین مؤلفه‌های برنامه درسی مبتنی بر دیدگاه‌های تربیتی افلاطون و فارابی»، *پژوهش در برنامه درسی*، سال ۱۱، دوره دوم، شماره ۱۳ (پیاپی ۴۰)، صص ۳۳-۱۸.
۴. اعرافی، علیرضا؛ فتحعلی‌خانی، محمد؛ فصیحی‌زاده، علیرضا؛ فقیهی، علی‌نقی، (۱۳۸۸)، *آرای دانشمندان - مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن*، ج ۱، تهران، سمت.
۵. اعوانی، شهین، (۱۳۹۴)، «سعادت‌مندی انسان از منظر افلاطون، بررسی دو رساله آلفیادس و فیلیس»، *فصلنامه جاویدان خرد*، شماره ۲۸.
۶. افشاری، سعید، (۱۳۹۸)، «تربیت اجتماعی در اسلام با تکیه بر آموزه‌های اجتماعی سوره مدنی قرآن کریم»، *پایان نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه علامه طباطبائی.
۷. افلاطون، (۱۳۵۷)، *دوره آثار افلاطون*، ترجمه: محمدحسن لطفی، تهران، خوارزمی.
۸. ایمان، محمدتقی؛ کلاته‌ساداتی، احمد، (۱۳۹۹)، *روش‌شناسی علوم انسانی نزد اندیشمندان مسلمان (ارائه مدلی روش‌شناختی از علم اسلامی)*، چاپ سوم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۹. ایمانی، محسن؛ بابایی، محمد اسماعیل، (۱۳۸۷)، «ارزش‌شناسی فارابی و دلالت‌های آن در تربیت اخلاقی با تاکید بر اهداف، اصول و روش‌ها»، *دوفصلنامه تربیت اسلامی*، شماره ۷.
۱۰. آزاد ارمکی، تقی، (۱۳۹۳)، *اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان از فارابی تا ابن‌خلدون*، تهران، سروش.
۱۱. باردن، لورنس، (۱۳۷۵)، *تحلیل محتوا*، ترجمه: ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.

۱۲. برزگر کلیشمی، ولی‌الله، (۱۳۷۲)، *جامعه از دیدگاه نهج‌البلاغه*، چاپ اول، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۳. پارسانیا، حمید؛ رضوانی، روح‌الله، (۱۳۹۲)، «جامعه‌شناسی معرفت‌فارابی»، *دوفصلنامه اسلام و علوم اجتماعی*، شماره ۱۰.
۱۴. تبریزی، منصوره، (۱۳۹۳)، «تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۶۴.
۱۵. توانا، علی؛ قربی، سکینه، (۱۳۹۷)، «بررسی تطبیقی انسان‌شناسی آیت‌الله مطهری و سنت آگوستین»، *الهیات-تطبیقی*، شماره ۱۹.
۱۶. جوادی‌آملی، عبدالله، (۱۳۹۸)، *جامعه در قرآن*، چاپ ششم، قم، مرکز نشر اسراء.
۱۷. حسینی، فاطمه‌سادات، (۱۳۹۷)، «بررسی تربیت اجتماعی در تفسیر اطیب البیان»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه قم.
۱۸. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از نخبگان حوزوی در ۲۹ دی ماه ۱۳۸۲، برگرفته از <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8616>
۱۹. خجسته‌گلزار، میثم، (۱۳۹۸)، «تربیت اجتماعی از دیدگاه امام رضا (ع)»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه علامه طباطبائی.
۲۰. خداوردی، رمضانعلی، (۱۳۹۰)، «بررسی اندیشه‌های اجتماعی متفکران ایرانی در قرن چهارم هجری»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود.
۲۱. خسروپناه، عبدالحسین، (۱۳۹۳)، *در جستجوی علوم انسانی اسلامی: تحلیل نظریه‌های علم دینی و آزمون الگوی حکمی-اجتهادی در تولید علوم انسانی اسلامی*، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر نشر معارف.
۲۲. خنیفر، حسین؛ مسلمی، ناهید، (۱۳۹۸)، *اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی*، ج ۱، تهران، نگاه دانش.
۲۳. داودی، محمد، (۱۳۹۳)، *فلسفه تعلیم و تربیت مشاء*، ج ۱، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۴. ————، (۱۳۹۴)، *فلسفه تعلیم و تربیت مشاء*، ج ۲، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۲۵. داورپناه، ابوسعید، (۱۳۹۶)، «مطالعه تطبیقی روش‌شناسی فلسفی ارسطو و فارابی»، **روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی**، سال هشتم، شماره ۳ (پیاپی ۲۹).
۲۶. دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش، وزارت آموزش و پرورش، شورای عالی انقلاب فرهنگی، (۱۳۹۰)، **سند تحول بنیادین آموزش و پرورش**.
۲۷. دین محمدی، محمد، (۱۳۹۱)، «بررسی تحلیلی و تطبیقی فلسفه اجتماعی فارابی و ابن‌سینا»، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه قم.
۲۸. رجبی، محمود؛ کافی، مجید؛ دوری، محمد، (۱۳۸۷)، **تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام**، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۹. روسو، ژان‌ژاک، (۱۳۸۰)، **امیلی**، مترجم: غلام‌حسین زیرک‌زاده، تهران، ناهید.
۳۰. ساسانی، عارف، (۱۳۹۵)، «بررسی و نقد تطبیقی تربیت اجتماعی با تأکید بر مفهوم شهروندی از منظر فارابی و دیویی»، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه تربیت مدرس.
۳۱. سبحانی‌نژاد، مهدی؛ منافی، کاظم، (۱۳۹۰)، **جامعه‌شناسی آموزش و پرورش (مبانی، رویکردها، سیر جامع نظریه‌ها و حوزه‌های شاخص)**، تهران، یسطرون.
۳۲. سلیمانی‌امیری، عسگر، (۱۳۸۱)، «انسان‌شناسی اخلاقی و سیاسی نزد فارابی»، **معرفت**، شماره ۵۴، صفحات ۶۴-۷۱.
۳۳. سیف، علی‌اکبر، (۱۳۸۶)، **روانشناسی پرورشی**، تهران، آگاه.
۳۴. سعیدی، محمدحسن، (۱۳۸۳)، **اندیشه مطهر، دیدگاه‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ**، تهران، تحقیق و توسعه رادیو.
۳۵. شریفی، حسام‌الدین؛ برادران مظفری، منصوره؛ معلمی، حسن، (۱۳۹۷)، «جایگاه روش‌شناسی حکمت عملی از دیدگاه فارابی»، **حکمت اسلامی**، سال پنجم، شماره اول.
۳۶. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر، (۱۳۸۷)، **روانشناسی تربیت و تدریس (آموزش-پرورش)**، چاپ اول، تهران، اطلاعات.

۳۷. شفیغزاده، ندا، (۱۳۸۸)، «بررسی تطبیقی مدینه فاضله از دیدگاه افلاطون و فارابی»، **پایان نامه کارشناسی-ارشد**، دانشگاه اصفهان.
۳۸. صدرا، علیرضا، (۱۳۸۹)، «روش‌شناسی فارابی در علم مدنی»، **علوم سیاسی**، شماره ۲۲.
۳۹. ضمیری، محمدرضا، (۱۳۸۳)، «تربیت اجتماعی از دیدگاه علوی»، **فرهنگ کوثر**، شماره ۵۹.
۴۰. طباطبائی، محمدحسین، (۱۳۶۵)، **روابط اجتماعی در اسلام**، مترجم: محمدجواد حجتی کرمانی، تهران، بعثت.
۴۱. ————، (۱۳۶۳)، **ترجمه تفسیر المیزان**، مترجم: محمدباقر موسوی همدانی، قم، اسلامی.
۴۲. طباطبائی، جواد، (۱۳۷۵)، **زوال اندیشه سیاسی در ایران**، تهران، کویر.
۴۳. طوسی، خواجه نصیرالدین، (۱۳۵۶)، **اخلاق ناصری**، تصحیح: مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران، خوارزمی.
۴۴. علاقه‌بند، علی، (۱۳۹۱)، **جامعه‌شناسی آموزش و پرورش**، تهران، روان.
۴۵. غزنوی، ولی‌الله، (۱۳۹۱)، «بررسی تطبیقی نقش جامعه در تأمین سعادت بشری از منظر فارابی و اخوان الصفا»، **پایان نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه تربیت معلم.
۴۶. فارابی، ابونصر، (۱۳۵۸)، **سیاست مدنی**، مترجم: سید جعفر سجادی، تهران، انجمن فلسفه ایران.
۴۷. ————، (۱۳۸۴)، **سعادت از نگاه فارابی (تحصیل السعاده)**، مترجم: علی‌اکبر جابری مقدم، قم، دارالهدی.
۴۸. ————، (۱۳۸۸)، **فصول منتزعه**، مترجم: حسن ملکشاهی، تهران، سروش.
۴۹. ————، (۱۳۶۱)، **اندیشه‌های اهل مدینه فاضله**، مترجم: سید جعفر سجادی، تهران، طهوری.
۵۰. ————، (۱۳۷۶)، **السیاسة المدنیة**، مترجم: حسن ملکشاهی، تهران، سروش.
۵۱. ————، (۱۳۶۴)، **احصاء العلوم**، مترجم: حسین خدیوچم، تهران، علمی و فرهنگی.
۵۲. قادری، حاتم، (۱۳۷۸)، **اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران**، تهران، سمت.

۵۳. قادری، مهدی؛ غریبی، حسن، (۱۳۸۷)، «تعلیم و تربیت در اندیشه فارابی و دورکیم»، **معرفت**، شماره ۱۳۰.
۵۴. کرد فیروزجایی، یارعلی، (۱۳۸۹)، «سعادت انسان و نقش دین در آن از دیدگاه فارابی»، **نقد و نظر**، سال ۱۵، شماره ۴ (پیاپی ۶۰).
۵۵. کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۳۶۹)، **اصول کافی**، مترجم: سید جواد مصطفوی، ج ۲، تهران، اسلامیه.
۵۶. لیشی آذر، مسعود، (۱۳۹۷)، «رابطه قانون و عدالت در فلسفه فارابی»، **پایان نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه امام صادق(ع).
۵۷. مبلغی، عبدالمجید؛ محمدی کیا، طیبه، (بی تا)، «کرامت انسان در فلسفه فارابی»، **خردنامه همشهری**، شماره ۸۷.
۵۸. محسنی تبریزی، علیرضا؛ سلیمی، علی، (۱۳۹۱)، «تحلیل محتوای کیفی قیاسی و بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی در علوم اجتماعی»، **روشن‌شناسی علوم انسانی**، شماره ۷۲.
۵۹. محمدیان، بتول، (۱۳۸۹)، «بررسی تحلیلی تربیت اجتماعی از دیدگاه افلاطون و فارابی»، **پایان نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه شهید چمران.
۶۰. محمودی، نورالدین، (۱۳۹۱)، «جایگاه تعلیم و تربیت در آرمان شهر فارابی»، **رشد آموزش علوم اجتماعی**، شماره ۵۵.
۶۱. مختاری، مرتضی، (۱۳۹۴)، «بررسی تطبیقی اندیشه‌های تربیتی فارابی و روسو با تأکید بر تربیت اجتماعی»، **پایان نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه خوارزمی.
۶۲. مرزوقی، رحمت‌الله؛ اناری نژاد، عباس، (۱۳۸۶)، «تربیت اجتماعی از منظر نهج‌البلاغه»، **تربیت اسلامی**، شماره ۴.
۶۳. مطهری، مرتضی، (۱۳۹۲)، **جامعه و تاریخ**، تهران، صدرا.
۶۴. ————، (۱۳۷۳)، **امامت و رهبری**، تهران، صدرا.
۶۵. مقدم، قاسم؛ محمدی ایشیانی، محمدرضا، (۱۳۹۶)، «ابتنای مدینه فاضله فارابی بر اصالت «انسان متصل به وحی»»، **حکمت اسلامی**، سال چهارم، شماره اول.

۶۶. مهاجرنیا، محسن، (۱۳۸۰)، *اندیشه سیاسی فارابی*، قم، بوستان کتاب.
۶۷. میرزامحمدی، محمدحسن، (۱۳۸۴)، *فارابی و تعلیم و تربیت*، تهران، یسپرون.
۶۸. _____، (۱۳۹۳)، *فلسفه تربیتی فارابی*، تهران، دانشگاه شاهد.
۶۹. _____، (۱۳۸۲)، «بررسی مقایسه‌ای اهداف تعلیم و تربیت از دیدگاه افلاطون و فارابی»، *روان‌شناسی و علوم تربیتی*، شماره ۲.
۷۰. نراقی، احمد، (۱۳۹۲)، *معراج السعادة*، چاپ هفتم، قم، علویون.
۷۱. نوبخت، ثریا، (۱۳۸۷)، «تبیین و نقد تربیت اجتماعی مبتنی بر نظریه مدینه فاضله افلاطون با تکیه بر آراء فارابی»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه تربیت مدرس.
۷۲. هدایتی شهیدانی، محمدصادق، (۱۳۹۸)، «بررسی تطبیقی مدینه فاضله فارابی و نظریه سیاسی جان لاک»، *رساله دکتری*، دانشگاه امام خمینی (ره).
۷۳. هوشمند، پارسا، (۱۳۹۷)، «مبانی، روش‌ها و موانع تربیت اجتماعی در قرآن کریم»، *رساله دکتری*، دانشگاه اصول دین.
۷۴. هابز، توماس، (۱۳۸۰)، *لوتیان*، مترجم: حسین بشیریه، تهران، نشر نی.
۷۵. یوسفی، علیرضا، (۱۳۷۶)، «نظریات افلاطون و دیویی درباره تربیت اجتماعی و عقلانی»، *رساله دکتری*، دانشگاه تربیت مدرس.